

تحلیل تاریخی-انتقادی بر ادعای شباهت دو محمد جهت تشکیک در روایات اسلامی از دیدگاه دکوین در کتاب آغاز ستایش علی و پیدایش جهان‌بینی عباسیان

محمدرضا نورآبادی^۱

نوروز امینی^۲

محبوب مهدویان^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰، صفحه ۹۰ تا ۱۰۲ (مقاله پژوهشی)

چکیده

دریافت‌ها و تحلیل‌های اشتباهی که از فهم نادرست پژوهشگر از گزاره‌های مرتبط با موضوع مورد مطالعه منبعث می‌شود، می‌تواند نتایج و یافته‌ها را مخدوش و غیرقابل اتکا نماید. علاوه بر این، پیش‌داوری‌های پژوهشگر نیز می‌تواند جریان تحقیق را مختل کند. این پژوهش دیدگاه‌های یک‌جانبه‌گرایانه و تحلیل‌های ناشی از پیش‌فرض‌های ناصحیح دکوین درباره بخش عظیمی از منابع دین اسلام، یعنی روایات اسلامی، را با محور قرار دادن دیدگاه‌های او در کتاب *آغاز ستایش علی و پیدایش جهان‌بینی عباسیان*، بویژه در تشابه اسمی محمدبن عبدالله و محمدبن حنفیه به روش تحلیل تاریخی-انتقادی مورد بررسی قرار می‌دهد و به دنبال این است که آیا تحلیل دکوین از شباهت دو محمد بر اساس معیارهای تاریخی-روایی معتبر است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تشکیک ناشی از پیش‌فرض‌های نادرست دکوین مبنی بر بی‌اعتباری مطلق روایات اسلامی، بر سراسر این کتاب سایه افکنده و اغلب مدعاهای نویسنده را تحت تأثیر قرار داده است. این در حالی است که اغلب شواهد و نمونه‌هایی که وی برای اثبات مدعای خود ارائه کرده، قابل نقد بوده و حتی در برخی موارد، از منظر روش‌شناختی و تحلیل تاریخی-روایی در برگیرنده بعضی نقص‌ها و تناقض‌های عدید می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: روایات، دکوین، تحلیل تاریخی-انتقادی، محمدبن عبدالله (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، محمدبن حنفیه.

۱. دانشجوی گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران:

mohammadreza.nourabadi@iau.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده

مسئول): norouz.amini@guilan.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران:

dr.m.mahdavian@iaukhoy.ac.ir

درآمد

یکی از رایج‌ترین خطاها در هر تحقیقی، به ویژه در پژوهش‌های برون‌دینی، عدم آشنایی محقق با همه جوانب موضوع و عدم تسلط بر آثار و آرا مرتبط می باشد که رهن پژوهشگر است و باعث می شود وی نتواند ارزیابی درستی از مسائل داشته باشد. برداشت‌های نادرست که اغلب از کم دانشی و سوء فهم پژوهشگر از گزاره‌های مرتبط با موضوع مورد مطالعه نشأت می گیرد، عمده نتایج را تحت تأثیر خود قرار می دهد و یافته‌های تحقیق را غیر مطمئن و غیر قابل اتکا می سازد. در کنار این ضعف عمده، جانبداری ها و مبنا قرار دادن برخی پیش فرض ها و ذهنیت ها توسط پژوهشگر مسیر تحقیق را به انحراف می کشاند و از رسیدن به مقصد منطقی و علمی دور می کند.

همه آثار و مکتوبات علمی، به ویژه در علوم انسانی، باید حاوی حداقل های لازم یک تحقیق و پژوهش علمی باشند (موسی پور و علوی، ۱۳۸۵ش: ۲۶-۲۹) تا بتوانند یافته های جدیدی را عرضه کنند و از آن در مقابل مخالفت ها و نقد ها دفاع نمایند. مثلاً در علم جامعه شناسی، محقق جامعه پژوه باید با مجموعه آراء، نظریات، آثار و کتب جامعه شناسی آشنایی کلی داشته باشد تا بتواند بعد از تحقیق و پژوهش، نظر و دیدگاه جدید را در عین نو و بدیع بودن، وفق اصول علمی رشته مورد تحقیق و بر اساس ساختارهای لازم یک کار تحقیقی ارایه نماید. در نوشتار حاضر نیز رعایت این اصول از جانب ریموند دکوین در کتاب *آغاز ستایش علی و پیدایش جهان‌بینی عباسیان*، مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرد؛ مقصود و انگیزه اصلی نویسندگان مقاله این است که روشن نمایند وی شباهت دو محمد را چگونه و بر اساس کدام دلایل ادعا می کند و این استدلال ها و ادعاها از چه اتقان و استحکامی بهره می‌برند و نیز در این مسیر به چه منابع معتبری استناد نموده است. بررسی روش شناختی دکوین در این ادعا از دیگر اهداف می باشد.

طرح مسأله

پیدایش هر ایده، نظر، فکر و اندیشه و یا تدوین کتب و آثار در مورد موضوعات و مسائل گوناگون معمولاً متأثر از فضای فکری، اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پیرامونی است. این مسئله زمانی نمود بیشتری پیدا می کند که محققان و مورخان غربی دست به تحقیق و پژوهش در مورد مسائل فرهنگی، اجتماعی، دینی و... مشرق زمین بزنند که معمولاً به «استشراق» (Orientalism) معروف است. استشراق و شرق شناسی (انوری، ۱۳۸۱ش: ۴/۲۶۷؛ بعلبکی، ۱۹۹۴م: ذیل واژه استشراق، ۶۳۵) به عنوان یک موضوع قابل پژوهش، همواره با رویکرد توجه به سنت‌های تحقیق غربی (موتسکی، ۱۳۹۴ش: ۱۱) و تحت تأثیرات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی غرب بوده است. مستشرقان آراء و دیدگاه های خود را بر اساس پیش فرضهای جامعه و فرهنگ غربی ارائه نموده و در این میان

از عوامل مهمی مانند دیدگاه های سیاسی- اجتماعی، تفکر اقتدارگرایی غرب بر شرق (ادوارد سعید، ۱۳۷۷ش: ۱۶)، رسانه ها، خواسته های دولت های غربی (عسکری، نوروزی، ۱۳۹۳ش: ۲۶ و ۳۷)، تفاوت های فرهنگی و تفکرات استعماری تأثیر گرفته اند و همواره به دنبال تحقیر و اثبات ناکارآمدی شرق بوده اند. (ادوارد سعید، ۱۳۷۷ش: ۷۹) باید اذعان داشت استشرق یک علم و مقوله کلی است اما بخش مدنظر این نوشتار، شاخه مهمی از آن به نام «اسلام شناسی» می باشد که از تأثیرات پیشگفته و نیز نواقص و غرض ورزی های حاکم بر فضای فکری (اکثر نه همه) مستشرقان رنج می برد. در بررسی های دقیق تر نمایان می گردد که مستشرقان علاوه بر مؤلفه های پیش گفته از روی عمد یا سهو در تحقیقات خود راجع به اسلام دچار خطاها و آسیب های روشی شناختی مانند عدم تسلط به زبان عربی و اصطلاحات اسلامی (الویری، ۱۳۸۱ش: ۲۱۲)، خلط میان حقیقت اسلام و رفتار مسلمانان، بی توجهی به اعتبار و سندیت متون مورد مطالعه و تصحیح و نسبت دادن آنها به مذهب تشیع (که البته بیشتر آنها مربوط به مذهب تسنن می باشد) (Hodgson.1974:1/39.40)، ثبت یک واقعه یا موضوع مختص به یک دوره به نام اسلام (دونالدسون، ۱۳۹۵ش: ۶۷/۲)، تحلیل اعتقادات و باورهای شیعی بر اساس تفکرات و آثار سایر فرق و نحل اسلامی (گلدزیهر، ۱۹۶۳م: ۲۰۶) و ... شده اند که در نتیجه گیری آنها موثر بوده است.

مجموعه این عوامل تأثیرات خود را بر آراء و دیدگاه های مستشرقان از جمله محقق و نویسنده غربی «ریموند دکوین» (Raymond Dequin) صاحب کتاب *آغاز ستایش علی و پیدایش جهان بینی عباسیان (Frühe Ali-Verehrung und die Schöpfung des Abbasidische Weltbild)* گذاشته است. دکوین علاوه بر تأثیر پذیری از مقولات ذکر شده، از آراء، نظریات و دیدگاه های سیاسی، اجتماعی و فکری مؤسسه «اناره» (Inarah) هم وام گرفته است و نوع تفکرات و جهت گیری های آن مؤسسه بر روش تحقیق، گفتمان، تحلیل و نتیجه گیری های وی به ویژه در مورد اعتبار روایات اسلامی، و ادعاهایی مانند «شبهت دو محمد» تأثیر عمده و بنیادین گذاشته است. به طور کلی با نگاه روش شناختی به کتاب مورد نقد و بررسی روش پژوهش، ارجاعات و استنادات دکوین در آن، به وضوح نمایان می گردد که دیدگاه های وی، حاصل فضای علمی، فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه غرب و آراء و نظریه های مستشرقان قبلی بوده است. دستاورد تلاش های علمی دکوین در قدم اول، حضور در جمع نویسندگان مجموعه کتاب های هشت جلدی «ظهور دین جهانی» بود که کتاب مورد نقد، زیر مجموعه جلد ششم می باشد که در سال ۲۰۱۴ میلادی توسط ب.بی نیاز (داریوش) ترجمه گردید و توسط انتشارات پویا در کلن آلمان چاپ شد.

با مشخص شدن دیدگاه و خاستگاه فکری دکوین و بیان این‌که کتاب مورد نقد در سطح جهانی به صورت چاپی و الکترونیکی ارائه شده است و هیچ نقد و تحلیلی بر آن انجام نگرفته است نقد و بررسی اثر، آراء و دیدگاه‌های وی امری مهم و ضروری به نظر می‌رسد.

با عنایت به آنچه آمد قابل ذکر است دکوین در کتاب *آغاز ستایش علی و پیدایش جهان‌بینی عباسیان*، پیش‌فرض‌ها و دیدگاه‌هایی را مبنای تحقیق خود قرار داده است که برخی از آن‌ها ضعف و نقص‌های عمده‌ای دارند. اصلی‌ترین ایراد کار دکوین این است که وی احادیث و روایات اسلامی را بی اعتبار و فاقد سند می‌داند و با این پیش‌فرض ادعاهای خود را مطرح می‌کند.

دکوین در کتابش مفاهیم و آموزه‌های اسلامی و شخصیت‌های برجسته دینی مانند پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و حضرت علی (علیه‌السلام) را را اموری ساختگی و متأثر از عقاید و باورهای سایر ادیان و مکاتب و بویژه گنوسیس (Gnosticism) می‌داند. وی برای اثبات ادعایش موضوعاتی را از آراء و دیدگاه‌های محققان خارج از جهان اسلام بیان می‌کند و هرآنچه را که مربوط به منابع اسلامی می‌باشد اموری جعلی و غیرقابل استناد می‌داند.

به هر حال همه پیش‌فرض‌ها و ادعاهای دکوین در کتاب مورد نقد بر اساس بی اعتباری و ساختگی بودن احادیث و روایات اسلامی بنا شده است که در پژوهش حاضر بر اساس منابع معتبر، ادعای وی با عنوان «دومحمد» مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

این نوشتار به عنوان قدم نخست در مواجهه با ادعاهای نویسنده در کتاب یادشده، تنها آراء دکوین را بر مبنای اصول و روش‌های علمی پژوهش، مورد تحلیل و نقد قرار می‌دهد و با روش تحلیل تاریخی-انتقادی تلاش می‌کند تا علاوه بر نقد شواهد و اسناد وی در این موضوع، مسیری را برای پاسخگویی به دیگر ادعاهای مطرح شده در کتاب مورد نقد ایجاد نماید.

۱. بررسی بی‌اعتباری روایات اسلامی از دیدگاه دکوین در موضوع شباهت دو محمد

دکوین در بخشی از کتاب خود، مطالبی را پیرامون نام «محمد» مطرح و با پررنگ کردن شباهت-های میان محمد بن عبدالله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و محمد بن حنفیه، چنین استدلال می‌کند که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) شخصیت واقعی نداشته و روایات اسلامی، این نام را جعل و از اسامی و افراد همنام گرفته و پرورش داده و در نهایت به عنوان پیامبر اسلام معرفی کرده‌اند. (دکوین، ۲۰۱۴م: ۱۰۶-۱۳۰) در این مورد دکوین، آشکارا انگشت اتهام را به سوی روات و روایات اسلامی گرفته است.

«محمد بن حنفیه» فرزند علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) و «خوله حنفیه بنت جعفر بن قیس» است. وی در سال ۱۶ هجری، زاده و در سال ۸۱ هجری قمری وفات نمود. (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۵/۶۸) محمد بن حنفیه در بعضی از جنگ‌ها به همراه پدر بوده و در چندین نبرد، پرچم سپاه پدر را در دست

داشته است. دلیل معروفیتش به «حنفیه» این است که مادرش، از قبیله بنی حنفیه بود. (بلاذری، ۱۳۹۴ق: ۲۰۰/۲) وی از نظر علمی جایگاه مهمی در میان تابعیان داشته و از حضرت علی (علیه السلام) نقل روایت کرده است و افراد بسیاری نیز از او حدیث نقل کرده‌اند. (صابری، ۱۳۸۸ش: ۵۱/۲) با تمام اقوال مختلفی که در باب تایید یا رد اعتقاد وی به ائمه معصومین (علیهم السلام) هست، امام جعفر صادق (علیه السلام) در روایتی، او را مومن به امام سجاد (علیه السلام) می‌داند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ش: ۶۰) محمدبن حنفیه از دیدگاه سیاسی و اجتماعی نیز فردی آرام و مسالمت‌جو بود و با حاکمان وقت رفتار تهاجمی و مخاصمه‌آمیزی نداشته است. فرقه «کیسانیه» پس از شهادت امام حسین (علیه السلام)، به امامت «محمد بن حنفیه» قائل شدند. (نوبختی، ۱۳۵۳ش: ۸۷) آنچه آمد خلاصه‌ای از زندگی محمدبن حنفیه از دیدگاه منابع اسلامی بود، اما برخی مستشرقان نیز درباره او مطالبی را نوشته‌اند. برای نمونه «بوهل» (Buhl) در *دایره‌المعارف اسلام*، زندگی‌نامه کوتاهی درباره او آورده است که البته در اینجا اشاره به وجود تاریخی وی مد نظر بوده و صحت و سقم نوشته مذکور محل بحث نیست. (Buhl.1393:402) به هر حال دکوین، با تأکید بر شباهت‌های میان دو محمد، استدلال‌هایی را پی‌ریزی کرده است. برای نقد مدعای دکوین، باید پرسید اگر قرار باشد یکی از این دو محمد، ساختگی باشد، کدام یک ساختگی و کدام واقعی است؟ آنچه دکوین مطرح می‌کند تنها بیان یک سلسله شباهت‌هایی بین این دو نام است که از کتاب مقدمه فی التاریخ الاخر اثر سلیمان بشیر آورده است. اولین نتیجه‌گیری دکوین این است که زندگینامه این دو محمد، پس از به قدرت رسیدن «عباسیان» و با جعل روایات اسلامی نگاشته شده است. با این حال وی در یک خطای فاحش روش‌شناختی، در صفحه ۱۲۸ کتاب مورد نقد، نگارش زندگی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را که پیش‌تر به دوره عباسیان مربوط می‌دانست، به صورت دو مرحله‌ای قلمداد می‌کند که مرحله اول آن در دوره امویان و مرحله بعدی در دوره عباسیان رقم خورده است. در نهایت ادعا می‌کند که شخصی به نام محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) که پیامبر اسلام باشد، وجود نداشته و مانند حضرت علی (علیه السلام) یک شخصیت جعل شده توسط روایات اسلامی است. وی در ادامه با این ادعا که راویان احادیث، روایات مربوط به محمد را بین این دو محمد تقسیم کرده‌اند، وجود تاریخی محمد بن حنفیه را نیز انکار می‌کند. (دکوین، ۲۰۱۴م: ۱۲۹)

مدعای دکوین در این مسأله صرفاً مبتنی بر یک سلسله تشابهات، فارغ از صحت و سقم آنهاست. علاوه بر این، این مدعا از نوعی «دور» نیز رنج می‌برد. دکوین شخصیت «محمد بن حنفیه» را جعلی دانسته و در صفحه ۱۰۹ کتابش، زندگی وی را در روایات اسلامی غیرواقعی و غیرتاریخی می‌داند و وجود او را برگرفته از همنام مشترکش، محمدبن عبدالله (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، قلمداد می‌کند و در عین

حال معتقد است که محمد بن عبدالله (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، شخصیتی جعلی و ساخته و پرداخته روایات اسلامی بوده و ما به ازای واقعی و تاریخی ندارد. ادعای دکوین درباره جعل شخصیتی مانند محمد بن عبدالله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در روایات اسلامی، فاقد پشتوانه علمی، تحقیقی و روش شناختی است؛ چراکه منابع متعدد اسلامی و غیراسلامی، با وجود همه اختلاف هایشان در نقل جزئیات مربوط به محمد، درباره اصل وجود تاریخی آن حضرت و کلیات زندگی او هم داستان اند. با توجه به اینکه دکوین اطلاعات موجود در منابع اسلامی را فاقد اعتبار می‌داند و متأسفانه در ادعای خودش استدلال‌های مستند و قابل اتکایی که بتوان بر اساس آن‌ها اقدام به تحلیل و نقد نمود نیز ارایه نمی‌کند، لذا برای معرفی پیامبر اسلام به ناچار از منابع مستشرقان بهره می‌بریم. به باور محققان غیرمسلمان، محمد بن عبدالله (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، در سال ۵۷۰ میلادی و ۵۳ سال پیش از هجرت، در مکه از پدری به نام عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم و از مادری به نام آمنه بنت وهب (Lings.2006:21) زاده شد. از همان ابتدای کودکی هوش و ذکاوت خاصی داشت. در دوره جوانی به بازرگانی و داد و ستد پرداخت و در ۲۵ سالگی با «خدیجه بنت خویلد»، که از زنان معروف و خوشنام آن زمان و معروف به امراه‌القریش یعنی شاهزاده قریش بود، ازدواج کرد. (فریشلر، ۱۳۴۳ش: ۶) درباره تاریخ زندگی حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مطالب فراوانی در منابع مختلف اسلامی و غیراسلامی بیان شده است. از عمده‌ترین منابع شناخت آن حضرت می‌توان به قرآن کریم، احادیث و روایات اسلامی و سیره‌نگاری‌هایی تحت عنوان سیره نبوی و آثار و منابع متعدد تاریخی (Watt.1953:14) اشاره کرد. برخی از منابع نوشته‌شده توسط مستشرقان و محققان مُنصف نیز در باب شناخت زندگی حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) شایسته اعتناست. (Nigosian.2004:6-8) با توجه به اینکه قرآن کتاب آسمانی مسلمانان است، می‌تواند بیشترین و بهترین اطلاعات را درباره محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به دست دهد. در قرآن کریم در سوره‌های متعددی از جمله آل عمران، صف، محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، احزاب، فتح و ... از پیامبر اسلام نام برده شده و درباره صفات، خلق و خو، زندگی و رفتار وی صحبت شده است. در سوره صف آیه ۶ داریم: «و به یاد آورید هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: ای بنی اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم در حالی که کتابی (تورات) را که پیش از من فرستاده شده تصدیق دارم و بشارت دهنده به رسولی هستم که بعد از من می‌آید، و نام او احمد است، هنگامی که او (احمد) با معجزات و دلایل روشن به سراغ آن‌ها آمد گفتند: این سحری است آشکار» در این آیه به طور ویژه قرآن کریم به سخن حضرت عیسی (علیه‌السلام) در مورد پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تصریح دارد. در بررسی کتب ادیان قبل از اسلام، بارها مشاهده می‌شود که از محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با نام‌های مختلف یاد شده است. (دشتی، ۱۳۶۸ش: ۱۲-۲۶) و در نهایت، محمد بن

عبدالله (صلی الله علیه و آله) در ۴۰ سالگی در کوه «حراء» به پیامبری برگزیده شد. (Lings.2006:72-73؛ Brown.2003:43-44؛ ۷۳) ثمره دعوت و تلاش‌های طاقت‌فرسای او این بود که جزیره العرب را که در خوی وحشیت و ظلم و نابرابری غرق شده بود، نجات داد و به قول «برنارد لوئیس»، از همان ابتدا اختلافات طبقاتی و مزیت‌های طبقه اشرافی را رد کرد و روشی را برگزید که در آن، راه ورود به شغل‌های مختلف برای افراد مستعد باز بود. (Lewis.1998:84) اینکه چرا دکوین به این وسعت از منابع توجهی نکرده و حتی از باب انکار نیز به این منابع مراجعه نکرده است، پرسشی بی‌جواب است. وی به عنوان یک پژوهشگر، از بدیهی‌ترین اصول پژوهشی نیز غافل بوده و درباره وجود تاریخی محمد بن حنفیه، بیشتر به افسانه‌ها و روایات مجعول و مشکوک استناد کرده که خود این مسأله علاوه بر خطای روش شناختی، نوعی تناقض‌گویی را نیز به همراه دارد؛ چراکه وی مدعای خود را بر اساس پیش‌فرض هرچند نادرست بی‌اعتباری روایات اسلامی تنظیم کرده، ولی در عمل با رجوع به روایات مشکوک و مجعول اسلامی و ارجاع خواننده به آنها، به نتیجه‌گیری می‌پردازد. نقدی که بر سخن دکوین در این باب وارد است، استناد صرف به شباهت‌هایی است که دکوین آن‌ها را نشانه اتحاد محمد بن می‌داند. دکوین از صفحه ۱۰۷ به بعد با استناد به مطالب آمده در مقدمه فی التاریخ الاخر سلیمان بشیر، به چندین شباهت میان دو محمد اشاره می‌کند و بر پایه آن‌ها جهت اثبات نظریه خود به استدلال می‌پردازد که در ادامه به بررسی این شباهت‌ها می‌پردازیم.

۲. بررسی و نقد شباهت‌های میان دو محمد

۱-۲: مذمه

نظر دکوین: دکوین به نقل از «سلیمان بشیر» می‌نویسد: «هر دو از سوی دشمنانشان مذمه نامیده شدند». (دکوین، ۲۰۱۴م: ۱۰۷)

نقد: «مذمه» از ریشه «ذم» به معنی «سرزنش و عیب‌جویی» است، (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۸/۱۷۹) و در معنای «ملامت» نیز به کار رفته است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ماده ذم) مسمی کردن محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) با «مذمه» از طرف دشمنانش امری عجیب و دور از ذهن نیست؛ چرا که شخصیتی مانند پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) که در راه تبلیغ دین آزار و اذیت‌های بی‌شمار دیده و گاه بدترین سخن‌ها را شنیده است، طبیعی است که از سوی دشمنانش با القاب تمسخرآمیز هم یاد شود. محمد بن حنفیه و هر شخص دیگری هم که دشمنانی داشته باشد، طبعاً احتمال دارد که از سوی دشمنانش با القابی ناپسند مورد تحقیر و توهین قرار بگیرد و این چیزی نیست که بتوان بر مبنای آن، بتوان ادعا کرد که هر دو چهره در تاریخ، یک نفر بوده اند یا اینکه هر دو چهره، شخصیت‌هایی افسانه‌ای و ساختگی بوده باشند.

۲-۲: ابوالقاسم

نظر دکوین: نویسنده کتاب، کنیه «ابوالقاسم» را نیز که میان دو محمد، مشترک است دلیلی بر یکی بودن آن دو فرد قلمداد می‌کند. (دکوین، ۲۰۱۴م: ۱۰۷)

نقد: به نظر می‌رسد این نتیجه‌گیری از ناآشنایی دکوین با فرهنگ و ساختار جامعه عربی نشأت گرفته است. اگر وی قبل از طرح این شبهه کمترین کاوشی در مورد «کنیه» داشت و به عنوان نمونه به کتاب *الکنی و الالقاب* محدث قمی مراجعه می‌کرد. (قمی، ۱۳۶۸ش: ۵) متوجه می‌شد که در بین عرب رسم بوده که پدر را با نام یکی از فرزندان (غالباً پسر و به ویژه پسر بزرگتر و گاهی دختر) مکنی می‌کردند و این امری مرسوم و رایج بود. همچنین ماهیت کنیه در فرهنگ عربی، تنها یک لقب نیست و چگونگی مکنی شدن شخص به یک کنیه خاص، تابع علل و عواملی است که بخشی از آن به خصائل و ویژگی‌های شخص برمی‌گردد و بخشی نیز به اسباب و عوامل دیگر. بر این اساس، اینکه دو یا چند نفر کنیه مشترکی داشته باشند، چیز عجیبی نیست و نمی‌تواند وحدت شخصیتی دو فرد را اثبات کند. محمد بن عبدالله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۴۰۴؛ ابن هشام، بی‌تا: ۱/۱۹۰) و محمد بن حنفیه (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۵/۶۸) نیز فرزندانی به نام قاسم داشتند و طبیعی بود که به «ابوالقاسم» مکنی شوند. بنابراین، این مدعای دکوین نیز بی‌اساس بوده و نمی‌تواند به عنوان مستندی متقن جهت اثبات یکی بودن وجود تاریخی دو محمد به کار گرفته شود.

۳-۲: ام‌ابیها و فاطمه

نظر دکوین: مستند دیگر دکوین در ادعای وحدت وجود تاریخی دو محمد، داشتن دخترانی به نام فاطمه و مکنی شدنشان به کنیه «ام‌ابیها» است. (دکوین، ۲۰۱۴م: ۱۰۷)

نقد: این مستند نیز مانند مورد قبلی پایه علمی ندارد و نمی‌تواند در اثبات مدعای یادشده کارگر بیفتد. کنیه «ام‌ابیها» تنها به موارد یادشده اختصاص ندارد و نمونه‌های دیگری از کاربری این کنیه در میان اعراب وجود دارد. (طبری، ۱۴۰۸ق: ۵/۲۸۷؛ یعقوبی، ۱۳۸۲ش: ۲/۲۹۲؛ ابن الاثیر، ۱۳۸۵ق: ۷/۲۶) نام فاطمه نیز از نام‌های پرکاربرد در میان عرب است و افراد مشهور بسیاری در تاریخ، فاطمه نام داشته‌اند؛ نظیر فاطمه بنت اسد مادر حضرت علی (علیه‌السلام)، فاطمه کلایه معروف به ام‌البنین، فاطمه بنت خطاب خواهر خلیفه دوم و بنابراین، این مطلب هم نمی‌تواند در اثبات وحدت وجودی دو محمد کارآمد باشد.

۴-۲: دستار سیاه

نظر دکوین: یکی دیگر از مستندات دکوین در اثبات ادعای وحدت وجودی دو محمد، استفاده هر دو از دستار سیاه است. (دکوین، ۲۰۱۴م: ۱۰۷-۱۰۷)

نقد: این مطلب نیز به چند دلیل نمی تواند مستند محکمی در این مسأله باشد: اولاً در زمان های قدیم تنوع رنگ در لباس به اندازه امروز نبوده است، ثانیاً در بسیاری از منابع، رنگ دستار پیامبر (صلی الله علیه و آله) را سفید ذکر کرده اند و حتی اشاره شده است که دستار ایشان به خاطر رنگ سفیدش به «سحاب» (ابر) معروف بود. (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۱/۲۳۶ و ۶/۶۲؛ طبرسی، بی تا: ۱/۳۶) ثالثاً هیچ سندی درباره فلسفه و علت استفاده از رنگی خاص برای ابراز یک شعار دینی و مکتبی در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مانند دلیل استفاده از رنگ سیاه بین «عباسیان» وجود ندارد و نکته آخر اینکه حتی اگر محمد بن حنفیه به تأسی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دستار سیاه بر سر بسته باشد، تنها می توان آن را نوعی بیان انتساب وی به رسوم خاندان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تلقی کرد نه اینکه بر مبنای آن بتوان ادعا کرد که دو فرد، یک نفر بوده اند.

۲-۵: نبیذ

نظر دکوین: مستند دیگر دکوین در اثبات یکی بودن دو محمد، استفاده هر دو از نوشیدنی ای بنام «نبیذ» است. (دکوین، ۲۰۱۴ م: ۱۰۸)

نقد: گذشته از اینکه فهم دکوین از معنای نبیذ، که آن را انگور تخمیر شده معنا کرده، اشتباه است و نوعی تهمت به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و خاندان اوست، کلیت مدعای او نیز زیر سؤال است. در آموزه های رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که به صراحت در قرآن منعکس شده است استفاده از انگور تخمیر شده، یا همان شراب مسکر و خمر، حرام بوده و در روایات اسلامی، هیچ سندی مبنی بر استفاده پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از مسکرات، حتی قبل از اعلام حرمت آن ها وجود ندارد. نبیذ نیز هیچ نسبتی با مسکرات نداشته و فهم آقای دکوین از این واژه کاملاً اشتباه است. واقعیت مطلب این است که بعد از هجرت مسلمانان به مدینه، به دلیل طبیعت سرد آب این شهر و مشکلاتی که برای مهاجران ایجاد می شد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دستور دادند که داخل آب های مصرفی مقداری خرما انداخته شود و قبل از اینکه رنگ و طعم آب تغییر کند، خرما را از آب بیرون بیاورند تا بدین ترتیب طبیعت سرد آب گرفته شود. این نوشیدنی را «نبیذ» می نامیدند که طبعاً هیچ نسبتی با خمر و مسکرات ندارد. در این میان عده ای از مسلمانان سست ایمان و منافق از این موضوع سوء استفاده می کردند و خرما را تا زمان تخمیر شدن و تبدیل شدن به مسکر در آب نگه می داشتند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ ش: ۸۷) روایت های مربوط به این ماجرا در برخی کتب حدیثی در باب هایی مسمی به «باب تحریم النبذ» آمده است. (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۵/۳۵۳) بر مبنای آنچه ذکر گردید، واقعیت ادعای دکوین آشکار می شود. گذشته از این باید از آقای دکوین پرسید که آیا در شبهه جزیره عرب، تنها این

دو نفر از این نوشیدنی استفاده می‌کردند که شما بر مبنای آن ادعا کرده‌اید که این دو نفر، در حقیقت یک نفر هستند؟!

۶-۲: هشت رکعت نماز

نظر دکوین: مستند بعدی دکوین در اثبات وحدت وجود تاریخی دو محمد، این است که هر دوی آن‌ها در روز هشت رکعت نماز می‌خواندند. (دکوین، ۲۰۱۴: ۱۰۸)

نقد: در نقد این مدعا باید گفت که اولاً در روایات اسلامی، اثری از اقامه هشت رکعت نماز در شبانه‌روز توسط هیچ مسلمانی وجود ندارد. آنچه در باب نماز در روایات اسلامی وجود دارد این است که تشریع نماز با دو رکعت نماز شروع شده (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۳۲۲) و مسلمانان پنج وعده نماز دو رکعتی می‌خواندند که در شبانه‌روز جمعاً ده رکعت می‌شد که بعدها هفت رکعت دیگر بدان افزوده شد و به هفده رکعت رسید. (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۴۸۷ و ۸/۳۳۹؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲/۳۲۴) علاوه بر این، ۳۴ رکعت نماز نافله نیز در اسلام وجود دارد که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اصحاب او با وجود مستحبی بودن آن، به خواندن آن پای‌بند بودند و حتی در برخی از روایات خواندن ۵۱ رکعت نماز (۱۷ رکعت نماز واجب به اضافه ۳۴ رکعت نماز نافله) از علامات مؤمنان ذکر شده است. (مفید، ۱۴۱۴: ۱/۵۳) با این توصیف اصل خواندن هشت رکعت نماز توسط حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و محمد بن حنفیه ثابت نمی‌شود. گذشته از این، حتی بر فرض اثبات وقوع چنین اتفاقی، آیا می‌توان صرف خواندن تعداد خاصی از رکعات نماز را که امری مشترک میان همه مسلمانان است، دلیل یکی بودن دو نفر قلمداد کرد؟! همه این اشتباهات فاحش در فهم و تحلیل متون اسلامی ناشی از آن است که آقای دکوین بر پیش‌فرض نادرست بی‌اعتباری همه روایات پای فشرده و بدین ترتیب خود را از اصلی‌ترین منبع شناخت شخصیت‌های جهان اسلام، یعنی منابع اسلامی، محروم کرده است.

نتیجه

بر اساس تحقیقات مقاله می‌توان بیان نمود که اساس مطالعات و نوشته‌های دکوین و همفکرانش بیش از آنکه برآمده از اندیشه‌های علمی و تحقیقاتی باشد بر اساس ساختار فکری و هدف‌گذاری موسسه اناره شکل گرفته است و بنیان آن بر ایجاد شبهه به هر طریق ممکن در سندیت روایات اسلامی گذاشته شده است. از این رو در جای جای کتاب مورد نقد و مشخصاً در موضوع مورد بحث مقاله بر ایجاد رخنه در درستی و سندیت روایات و گزارش‌های تاریخی حوزه اسلامی متمرکز شده است. در حالی که بر اساس تحقیقات ارائه شده در متن مقاله، تشابه اسمی بین محمدبن عبدالله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و محمدبن حنفیه با استناد به توجیه‌های دکوین، به هیچ وجه قابلیت اثبات علمی

ندارد و به طور عمده تلاشی برای مخدوش کردن اسناد مورد اعتماد و اعتبار اسلامی بوده و در نهایت زیر سوال بردن اساس موجودیت اعتقادی، فکری و دینی اسلام است.

منابع

۱. علاوه بر قرآن کریم
۲. ابن الاثیر، عزالدین (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر؛ دار بیروت، الطبعة الاولى.
۳. ابن بابویه، علی بن حسین (۱۳۹۵ش)، *الامامه و التبصره من الحیره*، قم: انتشارات مجلسی، چاپ دوم.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ق)، *علل الشرایع*، قم: نشر مکتبه الدواری، الطبعة الاولى.
۵. ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۰۳ق)، *معانی الاخبار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
۶. ابن سعد، محمد (۱۴۱۰ق)، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالباقرعطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى.
۷. ابن هشام، عبدالملک (بی تا)، *السیره النبویه*، بیروت: دارالمعرفه، الطبعة الاولى.
۸. الویری، محسن (۱۳۸۱ش)، *مطالعات اسلامی در غرب*، تهران: انتشارات سمت.
۹. انوری، حسن (۱۳۸۱ش)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: نشر سخن.
۱۰. بشیر، سلیمان (۱۹۸۴م)، *مقدمه فی التاریخ الاخر*، القدس: بی نا.
۱۱. بعلبکی، منیر (۱۹۹۴م)، *المورد*، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر بن داود (۱۳۹۴ق)، *أنساب الأشراف*، تحقیق محمد باقر المحمودی، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الأولى.
۱۳. حرعاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، تحقیق محمدرضا الحسینی الجلالی، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.
۱۴. دشتی رحمت آبادی، غلامرضا (۱۳۶۸ش)، «سیمای محمد (صلی الله علیه و اله) در تورات و انجیل»، نشریه مشکوه مشهد، بهار، شماره ۲۲، صص ۱۲-۲۶.
۱۵. دکوین، ریموند (۲۰۱۴م)، *آغاز ستایش علی و پیدایش جهان بینی عباسیان*، ترجمه ب.بی نیاز (داریوش)، کلن آلمان: انتشارات پویا، چاپ اول.
۱۶. دونالدسون، دوایت (۱۳۹۵ش)، *مذهب شیعه*، ترجمه محمد قزوینی نظم آبادی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱۷. راغب اصفهانی، حسین ابن محمد (۱۴۱۶ق)، *مفردات الفاظ قرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق: نشر دارالقلم.
۱۸. سعید، ادوارد (۱۳۷۷ش)، *شرق شناسی*، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
۱۹. صابری، حسین (۱۳۸۸ش)، *تاریخ فرق اسلامی ۲*، تهران: انتشارات سمت، چاپ پنجم.
۲۰. طبری، محمدبن جریر (۱۴۰۸ق)، *تاریخ الامم والملوک*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۱. عسگری، یاسر و نوروزی، رسول (۱۳۹۳ش)، *روش شناسی مطالعات اسلامی در غرب (گفتارهایی از عبدالعزیز ساشادینا)*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۲۲. فراهیدی، خلیل ابن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، تحقیق مهدی مخزومی و محسن آل عصفور، قم: نشر دارالهجره، الطبعة الثانية.
۲۳. فریشلر، کورت (۱۳۴۳ش)، *عایشه بعد از پیغمبر*، مترجم ذبیح اله منصوری، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲۴. قمی، عباس ابن محمدرضا (۱۳۶۸ش)، *الکنی و الالقاب*، تحقیق محمدهادی الامینی، تهران: نشر مکتبه الصدر، چاپ پنجم.
۲۵. طبرسی، رضی الدین (بی تا)، *مکارم الاخلاق*، محقق محمد حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه العلمی للمطبوعات.
۲۶. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الاصول من الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الرابعة.
۲۷. گلدزیهر، ایگناس (۱۹۶۳م)، *العقیده و الشریعه فی الاسلام*، مصر: دارالکتب الحدیثه و مکتبه المثنی بیغداد، الطبعة الثانية.
۲۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، تحقیق موسسه آل البيت (علیه السلام) لتحقیق التراث، بیروت: المفید للطباعة و النشر و التوزیع، الطبعة الثانية.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵ش)، *بررسی طرق فرار از ربها*، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ اول.
۳۰. موتسکی، هارالد (۱۳۹۴ش)، *حدیث اسلامی*، به کوشش و ویرایش: مرتضی کریمی نیا، قم: دارالحدیث، چاپ دوم.

۳۱. نویختی، حسن بن موسی (۱۳۵۳ش)، *فرق الشیعه*، مترجم محمدجواد مشکور، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۳۲. موسی پور، نعمت الله و علوی، سیدحمیدرضا (۱۳۸۵ش)، *نگارش علمی: راهنمای تدوین و نگارش مقاله، پایان نامه، رساله و گزارش پژوهش*، کرمان: نشر دانشگاه شهید باهنر.
۳۳. یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب (۱۳۸۲ش)، *تاریخ یعقوبی*، مترجم محمد ابراهیم آیتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نهم.
34. Brown, .Daniel W(2003), *A New Introduction to Islam*, Blackwell: Publishing Professional.
35. Buhl, Fr (1993), “*Muhammad Ibn al Hanafiyya*”, *Encyclopedia of Islam*, Second ed, Leiden: E, j, Brill.
36. Hodgson, Marshall GS (1974). *The Venture of islam*, Chicago: University of Chicago Press.
37. Lewis, Bernard (1998), *Islamic Revolution*, New York: Review of Books.
38. Lings, Martin (2006), *Muhammad: His Life Based on Earliest Sources*, Rochester: Inner Traditions International, Limited.
39. Nigosian, S. A (2004), *Islam: Its History, Teaching, and Practices*. Indiana: University Press.
40. Watt, William Montgomery (1953), *Muhammad at Mecca*, Oxford: University Press.